



بسمه تعالی

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

نمایندگی قم

نشست علمی

مدیریت در سیره امام رضا(ع)

سخنران:

دکتر محمد اسماعیل رستمی نیا

دکتر علی نجات بخش

دبیر علمی:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالفضل هادی منش

زمان:

سه شنبه ۹۸/۴/۱۸ ساعت ۱۰ صبح

مکان:

سالن شیخ طوسی بنیاد پژوهش‌های اسلامی - نمایندگی قم

حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالفضل هادی منش

(دبیر علمی)

تلاوت قرآن.

سلام و صلوات خدا به پیشگاه امام رئوف حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) و با عرض سلام و خیر مقدم خدمت اساتید محترم و شرکت کنندگان گرامی. ایام با سعادت دهه‌ی کرامت و میلاد کریمه‌ی اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه(س) و ایام ولادت با سعادت حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) را خدمت یکایک شما گرامیان، اساتید محترم، دانشوران و فرهیختگان ارجمندی که در این جلسه حضور دارند، تبریک عرض می‌کنیم.

در سایه‌ی توجهات حضرت ولی‌عصر(عج) و عنایات امام علی ابن موسی الرضا(ع)، سومین برنامه از جشنواره علمی سیره‌ی امام رضا، آموزه‌ها و کارکردها با گستره ملی را آغاز می‌کنیم. این برنامه از این جشنواره ملی، نشست علمی «مدیریت در سیره‌ی امام رضا(ع)» است. سخنرانان محترم این نشست علمی، جناب آقای دکتر محمد اسماعیل رستمی نیا مدیر موسسه مطالعات مدیریتی حوزه و روحانیت و جناب آقای دکتر علی نجات بخش هستند.

ما جلسات و نشست‌های مقدماتی متعددی را با این موسسه برگزار کردیم که نشست امروز، خروجی و برآیند گفت و گوها و مذاکرات ما است. امیدواریم که شاهد ایده‌های نو و دستاوردها و یافته‌های علمی جدید در

زمینه مدیریت اسلامی بویژه در سیره و فرهنگ رضوی باشیم و این آغاز همکاری باعث تداوم همکاری‌های بیشتر در زمینه مدیریت اسلامی و فرهنگ و سیره امام رضا(ع) باشد.

یکی از اهداف مهم بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ترویج و اشاعه فرهنگ رضوی و واکاوی ابعاد گسترده شخصیت حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) است. از جمله ابعاد مغفول در این زمینه، بحث مدیریت در سیره حضرت است که این نشست می‌تواند گامی برای یک یافته علمی در این زمینه باشد. امیدواریم این موضوع مورد توجه و عنایت بیشتر پژوهشگران و علاقمندان به فرهنگ و سیره رضوی باشد. موضوع نشست امروز، یک موضوع میان رشته‌ای است در مطالعات تاریخ اسلام با مباحث مدیریتی است. امیدواریم بتوانیم با ارائه این نشست قدمی هرچند اندک برداریم. در ابتدا از جناب آقای دکتر محمد اسماعیل رستمی نیا و جناب آقای دکتر علی نجاتبخش اصفهانی دعوت می‌کنم به جایگاه تشریف بیاورند.

از سخنران اول نشست، جناب آقای دکتر علی نجاتبخش تقاضا دارم که مباحث خودشان را در خصوص مدیریت در سیره امام رضا(ع) مطرح بفرمایند.

جناب آقای دکتر علی نجات بخش (سخنران اول)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین.

قال الله العظیم فی کتابه الکریم. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا. با عرض ارادت به ارواح طیبه شهدا و به ویژه روح پرفتوح حضرت امام(ره) و آرزوی سلامتی مقام رهبری انقلاب اسلامی ایران، از همینجا از حاضران محترم، عزیزان بزرگوار، درخواست می‌کنیم که عرض

ارادتی را به آستان مقدس حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) داشته باشیم. با هم این زیارت مخصوص را می‌خوانیم.

محورهای اساسی که برای این نشست در نظر گرفته شده است، حدود دوازده محور است که من محورهای عمده را عرض می‌کنم. کلیات و مفهوم شناسی مدیریت در سیره، مدیریت حکومت و ضرورت تشکیل آن، امامت و ضرورت وجودی امام، ولایت زعامت، امامت و رهبری. در واقع در شش محور اول، سعی مان بر این است که یک مفهوم سازی در ذهن عزیزان حاضر داشته باشیم. بعد سراغ این می‌رویم که اگر قرار است امام معصوم را به عنوان کسی که رهبری جامعه و امت را برعهده دارد، معرفی کنیم، یک مدلی را با شاخص‌های مختلفی در قسمت دوم صحبت‌ها به عنوان رهبری جامعه و رویکردهای مختلفی که می‌تواند این مدل داشته باشد، در اینجا ارائه می‌دهیم. می‌گوییم با توجه به این موضوعی که امروزه در جمهوری اسلامی ایران گرفتارش هستیم، در زمان امام رضا(ع) چالش‌های شدیدی در مقابل رهبری و مدیریت امام محسوب بود و امروز هم جهان اسلام در مقابل یک چالش بسیار بزرگی قرار گرفته است.

برای انتخاب رهبر و راهبرد امامت، چه شاخص‌هایی برای انتخاب رهبر داریم و در قسمت‌های پایانی این نشست راهبردهای تطبیقی الگوهای سیاسی با راهبرد امامت را مطرح می‌کنیم و می‌گوییم که اگر چنین راهبردی را به عنوان امام معصومی که امام مطهر و کامل بدون نقص و عیب است، این آثار و کارکردها را بخواهیم در امام بررسی کنیم که چه چیزهایی هستند، امروز اگر بخواهیم آن رهبری بسیار بزرگ را با چیزهایی که امروز در جامعه داریم، مقایسه کنیم و بگوییم که چه تفاوت‌های اساسی‌ای وجود دارد و درس‌هایی را از این نشست خدمت عزیزان و شنوندگان ارائه می‌دهیم.

قسمت اول، بحث مدیر است. اگر بخواهم مدیر را به عنوان نماد شکل بدهیم، فرض کنیم که مدیر از دَوْر گرفته شده است؛ یعنی گرداندن و کارگردانی، و هدایت و انجام کارها در نظر بگیریم، بخواهیم در دو واژه منتخب مسئله را ارائه بدهیم، می‌گوییم مدیریت انسان‌ها و رهبری آن‌ها عبارت است از؛ فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن یا کنترل کردن نیروی انسانی و سرمایه‌هایی که در برابر آن مدیری که این کارها را انجام می‌دهد، وجود دارد. یکی از صاحب نظران، جناب آقای دکتر محمد اقتداری می‌فرمایند که: مدیریت عبارت است از علم و هنر متشکل از هماهنگ کردن رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته جمعی برای میل به هدف‌های مطلوب و حداکثر کارایی. امروز بحثمان راجع به مدیریت است و می‌خواهیم مدیریت را در سیره ارائه دهیم. در رابطه با سیره، آیه‌ای که از سوره شماره ۲ قرآن، آیه ۱۴۳ خوانده شد، تقریباً اشاره‌ای به همین مسائل می‌کند. و کذلک جعلناکم امه وسطا. خداوند بزرگ خواسته است که ما جامعه و امت اسلامی، امت وسطی باشد که بر همه نسل‌ها، زمان‌ها و مکان‌ها شهید باشد. و حضرت پیامبر بزرگوار اسلام، شهید و ناظر و الگو قرار داده شده است. امت اسلامی، در زمانی که امام معصوم یا پیامبر بزرگوار حضور دارد، با تعاریفی که از رهبر و امام و امام معصوم می‌کند، الگویی را ارائه می‌دهد. در بحث حضرت ابراهیم خلیل که خلت خدایی را وجه تسمیه‌ش هستند، می‌بینیم که چیزی بعد از نبوت که به ایشان اهدا می‌شود، همان امامت است. یعنی امامت یک درجه بالاتر است. در امامت و نبوت، دنبال این هستیم که الگویی را ارائه دهیم. در امام معصوم، حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) الگویی برای امامت و هدایت و رهبری هستند، این الگو در زمانی که زندگی می‌کنند و حیات شان وجود دارد، هم به لحاظ قول و هم به لحاظ رفتار و کردار و شکل و صورت و سیرت، چه نوع فعالیت‌ها و رفتارهایی را ارائه می‌دهند که در اینجا پیامبر، مدل و الگوی عملی و رفتاری است و ائمه معصومین ما براساس همان حدیث ثقلین، آمده‌اند تا همان الگوهای پیامبر را در زندگی خود ارائه بدهند. حضرت علی ابن ابیطالب(ع)، سیره را اعتدال و سنت را رشد و هدایت و کلام را، کلامی که

می‌تواند حق را از باطل جدا کند، معرفی می‌کنند. مدلی که می‌خواهیم ارائه دهیم، مدلی است که از جهت رفتاری، تربیتی و شکلی و عنوانی، آن سیره را برایمان بیان کند. برای اینکه ما آن الگو را بتوانیم بپذیریم و ایجاد کنیم، خداوند متعال به پیامبر بزرگوارش و به امت پیامبر دستور می‌دهد: یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم ... اگر می‌خواهید جامعه، یک جامعه ایده‌آل و آرمانی بشود، به پیغمبرتان نگاه کنید و او را استجابت کنید، به هرچه که پیامبر دعوت می‌کند، بپذیرید و آنچه که نهی می‌کند را رها کنید. پس در سیره امام رضا(ع) تمسک به سیره ائمه معصومین، قبل‌ها، و تمسک به پیامبر بزرگوار اسلام است. اگر بخواهیم در یک معنا ابعاد مختلف سیره را بررسی کنیم، سیره را با این کلام خدمت شما می‌گوییم؛ روش، رفتار، کار، کارکرد، راه، رسم، شکل، صورت، طریقه، عادت و همین‌طور خوی و خصلت، تاریخ و حکایت‌ها و سرگذشتی که در قرآن از این رهبر که امام معصوم است، ذکر کردند. در مفهوم سازی هم به دنبال این هستیم که سیره، رفتار و کردار و منش و چیزهایی است که گفتم و امام معصوم ما حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) این سیره را انتخاب کردند و مردم را برای ساختن یک جامعه‌ای که امام در رأس آن والی و حاکم و مدیر و رهبر است.

سه، چهار، پنج واژه دیگر هم هست که امام معصوم ما برای مدیریت و رهبری خودشان، این واژه‌ها را با رهبری و مدیریت همسنگری می‌کنند که آن هم حکومت است. یا حاکم بودن، حاکمی که حکومت اسلامی را هدایت می‌کند. حکومت عبارت است از فرآیند اجرای سیاست‌ها و تصمیمات مقامات اداری در درون یک دستگاه سیاسی که این دستگاه در قلمروی به خصوصی با اقتداری که دارد یک نظام حقوقی را ایجاد می‌کند و این نظام حقوقی می‌تواند آن حاکمیت را ایجاد کند. وقتی می‌گوییم علی ابن موسی الرضا(ع) امام بودند، امام به معنای پیشوا و پیشرو و مقتدا کسی است که در جلو قرار می‌گیرد بر اساس آنچه که آمده است کسی که به او اقتدا می‌شود و پیشتاز قضایای دیگر است. ابن منظور همین مسئله را به معنای پیش گرفتن، گرفته

است. این لفظ امام در معنی و فرهنگ اعتقادی ما هم، کاری که انجام می‌شود، امام نار باشد، همانطور که در قرآن آمده است. امام نور باشد. البته برداشت‌های دیگری هم از امام می‌شود؛ مانند اینکه بگوییم امام به معنای پیشوا و رئیس است که؛ قول امام مسلمین. یا به معنایی که امام به عنوان کتاب معرفی شده است.

یکی از معانی‌ای که می‌خواهم از آن استفاده کنم، ولایت است. ولایت در احادیث و روایت جست و جو کنیم. آنچه که راغب اصفهانی، ولایت را معنا کرده اند، در زبان عربی به معنای این که دو چیز در کنار هم قرار دادن است، به طوری که این دو چیز به هم بچسبند و فاصله‌ای بینشان نباشد و چیزی مانع نشود که این دو چیز از هم بگسترانند و جدا کند. وقتی می‌گوییم ولایت، یکی از معانی ولایت این است که انسانی که می‌خواهد کسی را ولی خودش قرار دهد در استعاره به این معنا است که آن چنان پا در جای پای این ولی قرار بدهد، آن قدر قرینه شود که هیچ شکافی مابین آن نباشد. البته ولایت دو تعبیر دیگر؛ به معنای سرپرستی و محبت و دوستی هم دارد. معنای ولایت تشریحی و تکوینی این است که در ولایت تکوینی، خداوند بزرگ به ولی خود که از طرف او اذن دارد، این قدرت را می‌دهد که در قسمتی از طبیعت تصرف کند. همانطور که مرحوم علامه طباطبایی می‌گویند. در قسمت تشریحی هم محدوده و چهارچوب و قوانینی است که می‌تواند از آنها استفاده کند. یکی دو لفظ دیگر هم به کار برده است که به عنوان زعامت؛ به معنای ریاست و مهتری و بزرگتری و پیشوایی است. و دیگری هم شرف، است. امامت و رهبری را در قسمت مفهوم سازی اینطور می‌گوییم که امامت و رهبری طبعاً نوعی از سروسامان دادن به امکانات موجود است به طوری که بتواند بین مطیع و مطاع، پیرو؛ کسی که می‌خواهد پیروی شود و کسی که حاکم است، سازوکاری معرفی شود که این سازوکار هدایت و رهبری جامعه را به عهده داشته باشد. امام در قرآن ۱۲ مرتبه آمده است و در این واژه‌های مختلفی که آمده است، امام به صورت مفرد و در یکی دو جا هم به صورت جمع آمده است. واژه امام را اینگونه معنا می‌کنیم که؛ امام یقتدی بقوله. کسی که به قول و فکرش اقتدا می‌کنند

و هیچ گونه فاصله‌ای هم میان این قول و فعل نباشد. آنچه که رسول می‌فرمایند، بگیرید و آنچه که می‌گوید انجام ندهید را انجام ندهید. در واقع امر به معروف و نهی از منکر هم همین را می‌گوید. در قسمت مفهوم سازی می‌گوییم که امام معصوم ما کسی با این عناوینی که خدمت تان عرض کردم، است. اگر عنوان قرابت و نزدیکی را بدهیم، دوستی و محبت را بدهیم، همه این واژه‌هایی که در اینجا آمده است، در امام معصوم مستتر است و امام معصوم شامل تمام این معانی که خدمت شما عرض کردم است.

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر ابوالفضل هادی منش

خیلی متشکریم از آقای دکتر. از آنجایی که می‌خواهیم مباحث بیشتر در سیره امام رضا(ع) دنبال شود عرض می‌کنم. اجازه بدهید که سوالی بپرسم. مدیریت، آن طوری که در تعریف مشهورش است، فراگرد به کارگیری کارآ و اثربخش نیروی انسانی و منابع مادی بر پایه یک نظام ارزشی است. یعنی یک مدیر، کسی است که بتواند نیروی انسانی و منابع مادی را در یک نظام ارزشی به کار بگیرد. این را چقدر شما در سیره علی ابن موسی الرضا(ع) دیده اید؟ تا حضرتعالی برای پاسخ آماده بشوید از جناب آقای دکتر رستمی نیا دعوت می‌کنم که مطالب خودشان را در خصوص مدیریت و الگوی مدیریتی در سیره امام رضا(ع) مطرح بفرمایند.

جناب آقای دکتر ابوالفضل هادی منش

اعوذبالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. ابتدای عرایض را مزین به مضمون این معنا می‌کنم؛ که آنچه گوینده می‌خواهد چیزی را بگوید، بهترین شکلش این است که خدا بر سر زبانش بیاورد، آنچه که مستمع می‌خواهد گوش بدهد، خداوند آگاه و بصیر به این است که بهترین‌ها را برایش روزی کند. با این آرزو امیدوار هستیم، هرآنچه که بنده می‌گوییم به لطف الهی مشمول همین باشد و آنچه که عزیزان و بزرگوارانی که در محضرشان هستیم، آنچه که می‌خواهد شنیده شود، اجابت این خواسته از پیشگاه الهی

باشد. دهه کرامت است و ما توفیق این را داریم که خدمت دوستان باشیم. امیدوار هستیم که در این کارهای خوبی که شروع کردند، همراهی ما هم قدم کوچکی در کارهای بزرگ این عزیزان باشد و در آن چیزی که موضوع بحث جلسه است، بحث مدیریت است، امید که بتوانیم بهره کافی و کامل را از این مناسب داشته باشیم. هماهنگی اولیه این بود که موضوعات مدیریتی را مقداری محدود کنیم. به این لحاظ که وقتی می‌خواهیم صحبت از مدیریت، آن هم مدیریت معصومین، کنیم فرازهای زندگی، مباحث مرتبط به آن، تاریخ طولانی، وقتی نگاه می‌کنیم، آخر کلام می‌خواهم این نتیجه را بگیرم که آنچه که نتیجه هجرت امام رضا(ع) به سمت ایران یا مرو بوده، عالمی مطلب دارد که ای کاش این امکان وجود داشت که تنها زمان من محدود بشود که از همه آنها به چیزی تحت عنوان راهبرد هجرت، که از این هجرت که در این مقدمه می‌خواهیم صحبت کنیم که بزرگی مطلب معلوم شود و حول این موضوع بزرگ از موضوعات کلان، چقدر می‌شود بحث کرد و چقدر بحث‌های مدیریتی در آن وجود دارد و می‌تواند برایمان الگو و اسوه باشد. البته برایم توفیقی بود که در سالهای گذشته وقتی صدا و سیما، درخواستی کرده بود، می‌گفتم که لایق نیستم. اما این توفیق را بنیاد امسال نصیب ما کرد. برای من مباحث نو و جدیدی بود. موضوع من، مدیریت راهبردی در سیره امام رضا(ع) است. وقتی می‌خواستم این بخش را از موضوع وسیع مدیریت جدا کنم، متوجه شدم که صحبت کردن از مدیریت راهبردی امام، در این مجال واقعاً نمی‌گنجد. ای کاش همه آن را فقط به یک موضوع هجرت محدود می‌کردیم و در این هجرت، طول مسیر ۳۵۰۰ کیلومتری، توقف در شهرهای بزرگی که خوب است اینجا دوستان ملاحظه بفرمایند و تداعی آموزه‌های زیادی را در ذهن ما می‌کند و به ما یادآور می‌شود که در این مسیر، چه حرکاتی می‌تواند اتفاق بیفتد که از عهده مدیریت راهبردی امروز بر نمی‌آید. آنچه که به عنوان نتیجه می‌خواهم عرض کنم را در اینجا اشاره‌ای می‌کنم. آنچه که برای من در این بحث خیلی جلب توجه کرد، یک حالت قیاس مدیریت راهبردی در سیره امام رضا(ع) با آن چیزی که امروزه در

مدیریت راهبردی رایج از آنها به عنوان یک الفاظ مهم، آرمانی و دست نیافتنی گفته می‌شود که اینها همه اش در اوجی از آنچه که امروزه به آن نمی‌رسیم، در سیره امام رضا(ع) به آن رسیده شده است. اگر امروز یکی از ویژگی‌ها که در مدیریت راهبردی، جامع‌نگری و کلان‌نگری، آینده‌نگری و یا آینده‌نگاری است، برایش سقف و حدهایی، آرمان‌هایی تعریف می‌شود که در توجه به مفهوم آرمان، دست نیافتنی بودن هم به تعبیری می‌شود که به همه اینها امام دست یافته است. در نگاه کلان‌نگری و در نگاه جامع‌نگری و پیوستگی و آینده‌نگاری، آنچه که امروزه مشکل مدیریت ما و مدیریت راهبردی ما است، که منفصل بودن مدیریت‌ها از همدیگر است، سیره امام رضا(ع) و یا ائمه معصومین به ما می‌گوید که هیچ کدام از اینها ضعف و عارضه‌ای درشان وجود ندارد. و عمدتاً فراتر از نگاه یک فرد، صرف نظر از اینکه این محدوده مدیریت چه زمانی است، فراتر از فرد به یک سلسله توجه می‌شود، به این سلسله همدیگر را کامل می‌کنند. تنظیمات ذهنی من هم این بود، با فرض اینکه جناب آقای دکتر نجاتبخش مباحث عمومی مدیریت را مطرح می‌کنند و مقدمه‌ای برای بحث‌های بنده می‌شود و البته بزرگ و استاد بنده هستند، از جهات مختلف مقدم بود، سعی می‌کنم خیلی در آن مباحثی که به عنوان مقدمه بحث و به عنوان مباحث عمومی مدیریت است و تعاریفی که گفته شد، توقف نکنم. تا حد امکان از تکرار مباحث هم پرهیز کنم.

ذیل بحث مدیریت راهبردی در سیره امام رضا(ع) یک اجمال از ادبیات مربوط به مدیریت راهبردی را مطرح می‌کنم که ابتدا بدانیم در ادبیات این موضوع، این سطح از مدیریت چه تعریفی دارد و چه انتظاری هست؟ به نظر یک مقایسه به نظر نابجایی است که علم معصومین را که در ادامه عرایض می‌خواهم اشاره کنم، به دسته بندی علم و اینکه نگاه، نگاه معصومی است و از علم الوراثة‌ای استفاده‌هایی می‌کنند و کردند که علم بشری از آن ضعیف می‌تواند استفاده کند، آن‌ها این استفاده را کردند. اینجا این قیاس را یک قیاس به جایی نمی‌دانم اما این قیاس را انجام می‌دهیم. مرور اجمالی به ادبیات مدیریت راهبردی داشته باشم و مدیریت

راهبردی امام رضا(ع) را در مقایسه با مباحث ادبیات موضوع مدیریت راهبردی مقایسه‌ای کنیم و سطح مدیریت راهبردی امام رضا را از آن نتیجه بگیریم.

آنچه که حاصل همهٔ حرف‌های اینجانب در این بحث است، پاسخ به این سوال است: حال که به این نکته توجه کردیم که در دیدگاه‌های مختلفی که در مورد دین وجود دارد که آیا دین به همهٔ شئون زندگی بشر می‌پردازد، وارد می‌شود یا نمی‌شود، از دیدگاه‌های مختلف وجود دارد، بنده نگاهم این است که بله. نگاه دینی یا اسلام، توجهش به مجموعه‌ای از کمالات است. در رسیدن به این مجموعه از کمالات، ناگزیر به این است که همهٔ امورات جامعه و مدیریت را توجه کند. زیرا دیدگاه‌هایی وجود دارد که دین، فقط برای ارتباط فرد با خدا است. در بحث‌های اجتماعی که مدیریت عهده دار این نقش است و با نقش‌های دیگر تعامل دارد و می‌تواند امورات مختلف جامعه را رصد و مدیریت کند و در آن دخل و تصرف کند، بعضی از دیدگاه‌ها می‌گویند که این وجود ندارد. با این نگاه که دین همهٔ امورات و همهٔ شئون اجتماعی بشر را به آن توجه می‌کند، می‌خواهیم بگوییم که سطح ائمهٔ معصومین، اگر سطح مدیریت را دو قسمت کنیم و بگوییم یک بخش از مدیریت جامعه، ادارهٔ عمومی جامعه است، سطح دیگری از مدیریت منحصر در سازمان‌ها است. اینجا مشخص کنیم که سطح حضور ائمهٔ معصومین در کجا هست، با تعبیری که در ادامه می‌خواهم عرض کنم، سطح اولی است که تحت عنوان ادارهٔ عمومی جامعه آن را می‌پذیریم. زیرا آقای دکتر تعریفی از مدیریت استراتژیک، ارائه نکردند، از تعریف عمومی مدیریت می‌گذرم و تعریف از مدیریت اسلامی را دوستان ملاحظه بفرمایند.

مدیریت اسلامی، در سه سطح مدیریت خداوند و کارگزاران الهی که سطح معصومین می‌شود و سطح غیرمعصومین قابل دسته بندی است. آنچه که ما در مدیریت جامعه منفصل از معصوم مورد بحث قرار می‌دهیم، اگر مزین به آموزه‌های اسلامی بود، مدیریت اسلامی است که در کارگروه بنیادین مدیریت

اسلامی، این نوع مدیریت به این شکل تعریف شده است؛ مدیریت ولایی و امور مجموعه‌های منسجم سلسله مراتبی برای رسیدن به اهداف مبتنی بر ارزش‌های اسلامی. فرضم بر این بود که اگر سروران گرامی و حضار محترم که حضور دارند، رشته مدیریت باشند، خیلی در تعاریف مقدماتی مدیریت متوقف نشویم و به بخش سیره وارد شویم و بیشتر در آنجا به بحث پردازیم.

در بحث مبانی نظری، آن چه که مورد نظرم بود که مرور کنم، که بیشتر زمینه بحث و استفاده از سیره را فراهم کند، بحث تاثیر دسته بندی‌های کلی از بحث مدیریت را با توجه به بحثی که گفتم مطرح کنم. مدیریت می‌تواند در یک دسته بندی کلی از برخورداری از علم، علمی که نه به نام science تعریف می‌شود، علمی که همه آن در یک مجموعه به عنوان معرفت الهی تعریف کنیم با علم science متفاوت است. در اینجا علمی که مورد نظر قرار می‌دهیم و دسته بندی می‌کنیم، که حضرت جناب آقای جوادی آملی اینها را در دسته بندی مطرح می‌کنند، علم الوراثة را آن چیزی تعریف می‌کند که علم الهی است. علم الهی در اختیار چه کسی است؟ مشخصاً در اختیار مدیریت رحمانی، در اختیار خود خداوند متعال و در سلسله‌ای که تا به معصومین می‌آید و حد و سطحی دارد که در آن دسته بندی مدیریت اسلامی هم در دو سطح تعریف شد. اما اگر بپذیریم که این علم الوراثة‌ای در سطح علما هم قابل تسری هست، که هست، آن عبارت است که فرمودند: العلماء ورث الانبياء. پس با این مضمون می‌توانیم با برخورداری از علم الوراثة مدیریت خودمان را در راستای مدیریت معصومین و مدیریت رحمانی قرار دهیم.

البته سطح توقع را علامه پایین می‌آورند و مطرح می‌کنند که اگر شما می‌خواهید مدیریت جامعه داشته باشید، مدیریت جامعه الزاماً جامعه اسلامی هم نبود و خواستید از آن استفاده کنید، در یک دسته بندی دیگری که مطرح می‌کنند و تعریف می‌کنند که علم الوراثة‌ای بودن یعنی آنچه که منتسب به عمل مدیریت رحمانی و عمل خود معصومین است. از آن توقع کامل و تامی وجود ندارد که مانند خداوند عمل کنید یا

مانند معصومین عمل کنید. اما در نگاه علم الوراثة ای، شما می‌توانید آنچه که قول مدیریت رحمانی است و قول معصومین است، به آنها توجه کنید و به آنها عمل کنید. نکته‌ای که به نظرم در مقدمه خوب است که به آن توجه کنیم، بحث این است که اگر صحبت از مدیریت راهبردی در سیره امام رضا(ع) می‌کنیم، با نگاه راهبردی که از ابتدا داشتیم که جامع‌نگری است، رصد گذشته و نگاه به آینده است، در سیره امام رضا(ع)، امامان گذشته و امامان آینده چگونه مورد توجه قرار گرفته است. در یک تقسیم‌بندی گفتمانی که، گفتمان نه گانه در بین ائمه معصومین است، اینجا نکته جالبی است که باید به آن توجه شود. گفتمان نه گانه دوران امامت را ملاحظه بفرمایید. دوره امام علی(ع) سکوت آگاهانه و عدالت محوری است، دوره حسنین(ع) صلح و شهادت است، دوره امام سجاد(ع) دوره عرفان و خدامحوری است، دوره باقرین(ع) فرهنگ سازی اسلامی است، دوره پنجم، دوره امام موسی ابن جعفر(ع) مبارزه منفی و بزرگ‌نمایی مظلومیتی است که در واقع حاکم است، دوره امام رضا(ع) دوره ضرورت انتقال حکومت به امامان بعدی است، دوره امام جواد(ع) آغاز دوره جدی عصر مبارزه منفی است، دوره عسکرین(ع) ادامه مبارزه منفی و آماده سازی برای غیبت و دوره امام زمان(عج) عصر غیبت و انتظار است. طرح این مضامین چه چیزی را به ذهن ما منتقل می‌کند؟ این را منتقل می‌کند که هر کدام از این دوره‌ها، دارای ویژگی‌های متفاوت و فرصت‌های متفاوتی است. آنچه که می‌خواستیم در بحث مدیریت راهبردی صحبت کنیم، در مدیریت راهبردی عمدتاً توجه به مولفه‌های راهبردی، قوت و ضعف در داخل و توجه به مولفه‌های خارجی که تهدید و فرصت است، مورد توجه قرار می‌گیرد.

امام باید با توجه به فرصت‌ها، ضعف‌هایی که در داخل به معنای داخل مجموعه شیعی وجود دارد، قوت‌هایی که در داخل مجموعه شیعی وجود دارد، با نگاه به تهدیدهای محیطی و به فرصت‌هایی که در محیط است، مدیریت کند. که در ادامه آن چه که به عنوان نتیجه‌گیری از بحث من است؛ تقابل تهدیدها، شرایط

محیطی، تدابیر امام و نتایج آن است. با این اشاره به این رسیدیم که اگر جای آن چیزی که تا به حال به عنوان اعتقادات خودمان پذیرفته ایم، کلهم نوراً واحد، یعنی اگر الآن امام رضا(ع) جایش را با امام حسین(ع) عوض می‌کرد، به همان عمل می‌کرد. در واقع شرایط و ویژگی و پیوستگی‌های بعد و کل نگری، این را طلب می‌کرد که به آنگونه عمل شود که در اینجا جالب است که از کتاب حضرت آقا که بحث انسان ۲۵۰ ساله که عمر ائمه معصومین را می‌پردازد، به این نکته اشاره می‌شود که اگر ائمه معصومین جایشان را عوض می‌کردند، هر کدام در نقشی که برای امام دیگر اتفاق افتاد، چیزی است که در مدیریت راهبردی امروزه در کل جهان نمی‌بینیم.

آن چیزی که عنوان یکی از تهدیدهای مدیریت و مدیریت کلان جامعه ما است که در اوج خودش دیده می‌شود، ارتباط با ائمه قبل، توجه به وعده‌های مربوط به انتظار از امام هشتم رضا(ع) است که باید به آن توجه کند و توجه می‌کند که وعده‌های مربوط به انتظار. در صورتی که یکی از عارضه‌هایی که در جامعه مان وجود دارد، مستحضر هستید که خیلی از مدیران عالی ما مایل هستند که کارهای بزرگ در زمان مسئولیت خودشان انجام بگیرد. کارهایی را تنظیم و ترسیم می‌کنند که افتتاحش در دوره‌های خودشان باشد، بیشتر خودشان افتتاح کننده باشند تا این را به چند دوره بعد حواله بدهد.

ظهور مدیریت به عنوان یک عارضه، در این است که کارها اگرچه ناقص، در زمان خود، اما در مورد سیره ائمه معصومین و خاصه در سیره امام رضا(ع) می‌بینیم که چه افق زمانی بلندی دیده می‌شود. تفاوت را در آنچه که در فرمایشات آقای دکتر نجاتبخش هم بود، که فکر می‌کنم نرسیدند مطرح بفرمایند، زیرا فرصت مان در بحث مدیریت راهبردی است، باید بگوییم که راهبرد چیست؟ راهبردشناسی کنیم و مبنای آن را بدانیم. مبنایی که در مدیریت دینی برای راهبرد وجود دارد و راهبرد شناسی می‌شود، راهبردها باید براساس یکی از این مبانی باشد؛ یا براساس دو منبع عقل و حجت با منابع دینی، یا در یک موضوع در قلمرو دین

باشد یا در خدمت دین و بشریت گام بردارد. مهم ترین نکته‌ای که می‌خواهم در اینجا به آن توجه کنید، توجه به مبنای رضای خدا است. ما در بحث‌های مدیریت راهبردی یا صحبت از راهبرد می‌کنیم و انواع راهبردها را، راهبردهای برد و باخت و توازن و راهبردهای ... گاهی مصادیقی پیدا می‌کنیم که در مدیریت راهبردی رایج اگرچه راهبرد برد - برد مطرح می‌شود که شاید ذهننتان به بعضی از بحث‌های اجتماع و سیاسی کشیده شود که اینها به عنوان منفعت طرفینی مطرح می‌شود، گاهی می‌بینیم که این راهبرد برد - برد چه بسا در نگاه دینی مبنایی ندارد. ما به وفور می‌توانیم مثال‌هایی را داشته باشیم که اگر دو نفر، دو طرف معامله منتفع بشوند، اما این انتفاع بر مبنای رضای خدا نیست. تفاوت ما در بحث راهبردشناسی و تفاوت آن با مدیریت‌های دیگر آن چیزی است که قطعاً در نگاه سیره امام رضا(ع) می‌بینیم، این مبنا است. این است که به وفور در حرکت از مدینه و در پذیرش ولایت عهدی مدام این موضوع موج می‌زند. آنچه که رضای خدا است، برای رضای خدا، برای تعصی و به عنوان پیروی از سیاست‌ها و تدابیر الهی باید چه کرد؟ آن چیزی که جایش در مدیریت راهبردی امروز ما خالی است. راهبرد امامت چیست؟

با مقدمه‌ای که عرض کردیم، راهبرد را تعریف کردیم و مبنای اسلامی اش را گفتیم، راهبردی که حتی به معنای برد-برد بوده باشد اما مبنای اسلامی که عمده آن رضای خدا است، در آن وجود نداشته باشد، مردود است، راهبرد امامت بر اساس منشور و سند جاودان قرآن از نگاه امام رضا(ع) به این نحو تعریف می‌شود. که جایگاه بحث‌های حقوقی و شرعی، می‌گوید که باید امامتی وجود داشته باشد، جامعه رهبری شود و با این عبارت که از فرمایشات خود امام رضا(ع) است، الامام عالم بالسیاسة مستحق لریاسة و مفترض لطاعة. یعنی عالم به سیاست است، حَقش ریاست است و طاعت او بر دیگران واجب است. اگر اینگونه شد، با سلسله‌ای از مباحث راهبردی که مربوط به کلیت ائمه معصومین است، دین راهبرد اشتیاق و عطش جهانیان را به نظام ولایی افزون تر می‌کند و زمینه را برای طلوع دولت یار فراهم می‌کند.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالفضل هادی منش

از جناب آقای دکتر رستمی نیا خیلی متشکریم، توضیحات خیلی مستوفی و کامل بود. در بحث مدیریت، همانطور که فرمودید، مدیریت راهبردی را گفتید. مدیریت بر پایه عناصر درونی، مانند قوت و ضعف و عناصر بیرونی مانند فرصت و تهدید است. درباره امام معصوم(ع) از قوت و ضعف امام نمی‌توانیم صحبت کنیم. امام نقطه ضعف ندارد. انسان کامل است و هرچه که هست قوت در سطح عالی آن است. بحث فرصت‌ها و تهدیدها می‌ماند. این فضای بیرونی است که برای امام محدودیت‌هایی به وجود می‌آورد و سبب می‌شود که امام نتواند امامت الهی خودش را در بین جامعه به عنوان واسطه فیض بین زمین و آسمان، پیاده کند. یعنی این فضای موجود است که امام بر پایه آن حرکت می‌کند. امام رضا(ع) خیلی خوب این ماجرا را مدیریت کرد و ما هم می‌خواهیم در وادی مدیریت در سیره امام رضا(ع) صحبت کنیم. در ابتدا در خدمت جناب آقای دکتر نجاتبخش باشیم. اما سوال بنده از شما این است؛ وظایف یک مدیر در پنج حوزه است؛ یک برنامه ریزی، دوم سازماندهی، سوم رهبری، چهارم هماهنگی، پنجم کنترل. یعنی اگر کسی این پنج ویژگی را داشته باشد، به او مدیر می‌گوییم. شما مدیریت امام رضا(ع) را در این پنج عرصه چطور ارزیابی می‌کنید؟ سوالی که از جناب آقای دکتر نجاتبخش اصفهانی پرسیدم، بحث تعریف بود، که این تعریف را چقدر در زندگی امام رضا(ع) کامل دیدید؟

جناب آقای دکتر نجات بخش

مقدمه‌ای را برای مفهوم سازی مدیریت خدمت شما عزیزان عرض کردم. یک مدل را روی بُرد نگاه کنید. در سیره، کلیه ائمه از جمله امام رضا(ع) اینطور بودند. امام رضا(ع) به دنبال رشد و به کمال رساندن هم جامعه و هم نیروی انسانی، یعنی امتی که با امام سروکار دارد است. برای اینکه وارد سیره شوم، حدیثی را می‌خوانم. ۵ سال آخری که امام رضا(ع) آمدند دو موج ایجاد شد. اگر بخواهیم وارد منابع انسانی شویم، باید

از مکه به مدینه و.... برویم. اگرچه مأمون به دنبال این بود که حضرت امام رضا(ع) را از مدینه و مکه خارج کند که در مرکز قدرت نباشد. اما این را به عنوان یک فرصت راهبردی انتخاب کردند. تمام این مسیرها را به نحوی انتخاب کرده بودند که امام رضا سروکاری با مردم نداشته باشد. در موج دومی که ایشان آمدند، حدود ۱۲۰۰۰ نفر، آن حدیث معروف سلسله الذهب را شنیدند. می‌خواهم بگویم یکی از کارهایی که امام می‌خواهد انجام بدهد این است که هم آدم‌ها و هم جامعه و هم اسوه‌هایی مثل خودشان را رشد بدهند. معنایش این است که امامت وسیله‌ای برای رشد و کمال دادن انسان‌ها است. دورانی هم آمدند و شرایطی را ایجاد کردند که حضرت امام رضا(ع) ولایت عهدی را قبول کردند، در صورتی که ایشان به آن مفهوم قبول نکرده بودند. آمده بودند و ساختار مأمون را بهم ریخته بودند. به طوری که ایشان نتوانه از قدرتی که دارد تصمیم‌گیری کند. حدیثی را می‌خواهم بخوانم که امام رضا برای ساختن منبع انسانی، در این مناظراتی که داشتند، مناظراتی که با سران یهود داشتند، با سران یساراً داشتند. مناظرات در تاریخ موجود است. یکی از آنها این است که یکی از خوارج، خود حدیث را می‌خوانم و می‌بینید که آخر این حدیث چه می‌شود به مفهوم این حدیث توجه کنید، چون می‌خواهم از سیره مطلب بگیرم. یک نهروانی آمده است و می‌خواهد با شرایطی که مأمون درست می‌کردند، از انسان‌های پرحرف می‌بردند که امام رضا(ع) را در مناظره گیر بیندازند.

مفهوم حدیث هم روشن است. وقتی که امام رضا(ع) جواب می‌دهند، دنبال این هستند که او قانع شود. ایشان بعد از جوابی که می‌دهند، می‌گویند من قبول کردم. ایشان می‌روند و به حضرت یوسف(ع) تکیه می‌کنند و می‌گویند یوسف که از چند پشت پیغمبر بودند، در زمان عزیز مصر، در شرایطی قرار گرفت که به عزیز مصر فرمود خزائن را به من بده. می‌خواهم بگویم که حدیث نشان می‌دهد که حضرت امام رضا(ع) در مناظر به دنبال این است که یک انسان را بسازد. اگر یک نفر را بتوانند بسازند، می‌توانند همه مردم را بسازد.

حال ما در مسیری که از مرو انتخاب شده و موج حرکتی که ایجاد شده است، در تمام این شهرها اگرچه مأمون دنبال این بود که مسیر امام رضا(ع) را طوری انتخاب کند که با مردم سروکار نداشته باشد، مردم هجوم آوردند و در نیشابوری که آن سلسله الذهب را خواندند، غوغا بود. روی مدلی که در اینجا عرض می‌کنم، اولین کاری که امام و رهبر و مدیریت جامعه باید انجام بدهد، این مدل را باید رهبری جامعه را مانند خودش یک الگو درست کند. البته الگوهایی که آمدند، همانطور که در سیره امام رضا(ع) وجود دارد و امام رضا(ع) از قول اجداد و پیامبران و قبلی‌ها گفتند، می‌گویند ما طوری انتخاب شدیم که مصون از خطا هستیم. مطهر هستیم.

پلیدی به ما راهی ندارد. امام جامعه، حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) در آن شرایط بسیار بدی که بین امویان و عباسیان، ۱۰-۱۲ سال جنگ و ستیز، طوری که مأمون برادر خودش را کشته است تا به خلافت برسد، به شرایطی برسد که بتواند ادعای حکومت کند، از آن طرف هم به دنبال امام رضا(ع) آمده تا بتواند به کار خودش مشروعیت بدهد، امام رضا به دنبال اسوه سازی است. تمام این شرایط را با این شاخص‌هایی که خدمت تان عرض کردم، شاخص‌ها می‌گویند کسی که حدود الهی را رعایت می‌کند، ذوب شده در خدا باشد، امام به دنبال این است که به بهترین راه‌های ثواب، مردم را دعوت کند. سیره را چگونه معنا کردم؟ گفتم سیره یا معنا یا روش، یا گفتار، یا کردار، یا رفتار یا شکل و هیئت است. حتی وقتی امام صادق(ع) به سیره علی ابن ابیطالب(ع) رسید، می‌گویند حتی در غذا خوردن هم حضرت علی ابن ابیطالب(ع)، شکل و سیرت غذا خوردنش مانند غذا خوردن پیامبر خدا بود.

بنابراین ما اگر بخواهیم جواب روشنی به سوال آقای دکتر هادی منش بدهیم، یکی از کارهایی که در سیره انجام شد، باورگذاری مناظرات بسیار گسترده‌ای که، کسی باید در این مناظرات شرکت می‌کرد که عالم به همه چیز باشد. زیرا سوالات را به صورت تخصصی به گونه‌ای انتخاب می‌کردند که یک جایی امام را گیر

بیندازند. امامی که علم یکون ما لا یکون داشتند، طوری در این مناظرات جواب دادن که توانستند طرف مقابل را قانع کنند. بنظر من جواب جناب آقای دکتر هادی منش این است که امام برای اینکه آن حجم از منابع انسانی را بعنوان مدیریت بر حجم منابع انسانی، من می‌توانم بگویم منابع انسانی، انسان‌ها باشند، استعدادها می‌توانند باشند، طلا و نقره و امکانات مادی و همه اینها می‌تواند شاملش باشد، که مواردی که اینجا انتخاب کردم یکی از کارکردها این بود که، در سیره، یکی از ایرادات هنگفتش به مأمون این است که اموال و مال مردم را به تاراج می‌دهید و در مقابل قضیه ایستاد. بخش زیادی از منابع طلا و ... که بیت المال می‌شد، ایشان در مقابلش ایستادند. در بحث موج دوم هم که، پرچم داری احمد بن موسی بوده، امام موسی ابن جعفر(ع) که شهید شدند و رحلت کردند، بعد از این ماجرا، کار به دست وکلای امام موسی کاظم(ع) می‌افتد و شرایطی است که امام رضا دست تنها که به لحاظ مالی هم هیچ چیزی نداشته. وکلا هم غالباً خیانت کردند و نیامدند چیزهایی که در اختیارشان بود را بدهند، در عین حال امام رضا(ع) آمدند و در غربت کامل. یکی از دلایلی که می‌گویند امام رضا(ع) غریب بوده، به همین جهت بوده است که میراثی هم که بایستی از حضرت موسی ابن جعفر(ع) به دست ایشان می‌رسیده، آن هم میراث هم نرسید. در شرایط بسیار بد اقتصادی واقع شدند. جواب این است که امام رضا در مرحله اول اسوه سازی و الگوسازی کردند. در دورانی که رونق علم و حدیث و روایت بود، شاگردان زیادی مانند خودشان ساختند. و بعد هم بیشترین توجه امام رضا(ع) به ایران و شهرهای ایران بود که در مسیری که آمدند، ببینید که چرا امام رضا(ع) مشهد، مرو را انتخاب کردند، گرچه این تحمیلی هم بود. اما امام رضا(ع) این مملکت و این کشور و شهرهایش را مستعد دانستند.

حتی اهل رجال زیادی که در همین قم می‌بینید که در شیخان دفن هستند، سابقه شان به دورانی است که مربوط به سال ۲۰۰، دورانی که امام رضا این سفر را داشتند.

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر ابوالفضل هادی منش

از جناب استاد نجاتبخش متشکریم. ایشان هم دکترای مدیریت منابع انسانی و هم دکترای علوم قرآن دارند. لذا باید دو وقت در اختیار ایشان قرار می‌دادیم. اگر حضرات محترم هم سوال دارند، در خلال برنامه می‌توانند سوالاتشان را بپرسند. در خدمت آقای دکتر رستمی نیا به عنوان قسمت آخر برنامه هستیم.

آقای دکتر رستمی نیا

جناب آقای دکتر هادی منش، دو سوال را مطرح کردند. خود امام به عنوان یک معصوم است، بله، ما در مورد ضعف، حرفی نداریم. اگر به عنوان یک شاکله این را دیدیم، یا پیروان راه، زیرا در بحث‌های مدیریتی، در نظریه‌های رهبری که صحبت می‌شود، رهبری در واقع باید کسی باشد که آن را پیروی کند. اگر بخواهیم از آن معنا نگاه کنیم، ضعف معنا پیدا می‌کند. ضعف نه به معنای ضعف معصوم، بلکه به عنوان پیروانش باید به این نکته توجه شود. البته بی ارتباط نیست که معمولاً تهدید و ضعف یا حتی عملی شدن تهدیدات موقعی است که باید ببینیم داخل مجموعه چه ضعف‌هایی وجود دارد. بله نکته‌ای که حضرت عالی فرمودید، دقیقاً همین‌گونه است. اما نکته‌ای که در پاسخ به فرمایش دوم حضرت عالی مطرح شود، که نحوه استفاده امام، یا نحوه عمل امام در برخورد این پنج وظیفه چگونه بوده است؟ فکر می‌کنم چون زمان محدود است، در همینجا به آن توجه کنیم. در اینجا در این مدل، که در فرمایشات آقای دکتر دقت می‌کردم، آقای دکتر هم قصدشان این نیست، من هم قصدم این نیست، وقتی در مورد معصوم سوال می‌کنیم و صحبت می‌کنیم، بایدی را به آن بار نمی‌کنیم. این استنباط ما است. آقای دکتر هم فرمودند باید امام این کار را انجام بدهد، ما این باید را نداریم، اما استنباط و برداشتمان این است که اینگونه برخورد شده است، اینگونه عمل شده است. سیره امام در بحث این مدلی که عرض می‌کنم، مقابله بین شرایط و تهدیدات محیطی با تدابیری که امام داشتند و نتایج است. طبعاً قبل از اینکه ببینیم امام چه تدابیری داشتند، ببینیم که تهدیدات چه بوده است؟ البته می‌خواستم دقت کنم که هرکدام از تهدیدات را نظیر به نظیر در مقابل هم قرار بدهم. اصلی‌ترین

تهدید که مطرح بوده است، بحث قطع سلسله امامت بوده است. اگر چیزی که مأمون تهدید می‌کرد، در کتاب و اسناد مختلف مخصوصاً در کتاب تاریخ شیعه علامه محمدحسین مظفر، تصریح می‌کند که به کرات صحبت از این بود که اگر امام نپذیرند، خیلی قلدرمآبانه امام را شهید خواهند کرد. خب حال امام باید اینجا چه کار کنند؟ بحث توجه به سلسله امامت است. یک تهدید بزرگی است. به عنوان اولین تهدید یا شرایط آن زمان، دومین جو اختناق و ارتاب هم برای امام و هم برای محبان است. به دلیل کم بودن وقت دیگر استناد نمی‌کنم. هرگاه صحبت از عشق به شیعیان بود، در بحث بعدی هم می‌بینیم که بحث تعدد تفکرات و گروه‌ها در جامعه است، قصد دور کردن امام از دسترس مردم بوده است. یا بحث محدود کردن امام، تعدد مکاتب فکری، اجبار در پذیرش ولایت عهدی، کینه توزی عباسیان و امویان نسبت به امام و اجداد طاهربینش به وفور دیده می‌شود. خطر قتل عام شیعیان به شکل عام مطرح بوده است.

اینها از جمله تهدیداتی است که بعد از امامت امام کاظم و انتقالشان به محدوده زمانی امام رضا(ع)، این شرایط تهدیدات محیطی است. حال امام چه می‌کند؟ امام این تدابیر را که پاسخ به فرمایش جناب عالی است که چه سازماندهی می‌کنند، چه برنامه ریزی می‌کنند که هرکدام از اینها جای بحث مفصلی دارد. چه هدایت‌هایی و چه حفظ بسیج منابعی می‌کنند که در ابتدای عرایض گفتیم، اگر فقط بحث را منحصر به بهره‌هایی می‌کردیم که امام از بحث هجرت بردند، مسیر ۷۵ روزه، ۳۵۰۰ کیلومتری چه تجمعاتی با چه استقبال‌هایی مواجه شدند، وقتی می‌خواهیم بگوییم که در بسیج منابع چه اتفاقاتی افتاده، در تاریخ نمونه اش را پیدا نمی‌کنیم. این بر چه اساسی صورت گرفته است؟ بر اساس برنامه ریزی‌هایی که امام داشتند. سازماندهی‌هایی که بعدش داشتند. جالب است، برای خودم خیلی مفید بود. بهره‌هایی از این قبیل که ما آنچه که فرصت آفرینی بوده و در جمهوری اسلامی ایران و در این مقطع از زمان می‌توانیم استفاده کنیم، فی البداهه به ذهنم می‌آید که مراسم قالیشویی، یکی از هزاران هزار، نتایج ورود امام به ایران بوده و هرساله

در حال برگزاری است. چرا؟ در بسیج منابع انسانی، آن جایی که قالیشویی منتسب به یکی از فرزندان امام باقر(ع) است، یک بسیج شش هزار نفره در استقبال از امام را ترتیب می‌دهند. تدبیر اول امام تدبیر سیاست و تدبیر الهی است. زیرا ما در منابع به وفور با آن برخورد کرده ایم و می‌بینیم که اینها ترسیم شده اند. یعنی اگر به تدبیر الهی توجه کنیم، می‌بینیم که امام بنا به دلایل مختلف باید آن تدبیر الهی را توجه کند که تدبیر الهی منتهی به امامت امام زمان(عج) منتهی شود. تعصی به تجارب ائمه هدی است. یکی از مثال‌های کوچک امام معصوم قبل خودش، بحث علی ابن هلال است که آن را راهنمایی می‌فرمایند که چگونه در دستگاه حضور پیدا کنند و چه کمک‌هایی، ملاحظه بفرمایید که دوباره از نوع بهره برداری منابع انسانی و استفاده از فرصت‌ها در دستگاه قرار بگیرد و بتواند امورات شیعه را آسان کند. یا حتی استفاده از روش خود مولا علی(ع) آنجایی که چگونه با شورا کنار می‌آیند. تدبیر صبر و مسالمت است. تدبیر در پذیرش ولایت است. فرصت شناسی و استفاده بهینه از آن است. دشمن شناسی، تبدیل تهدید به فرصت است. فرصت‌هایی که در پس هر تهدید امام شناسایی می‌کند. مقابله هوشمندانه‌ای که با خلفای عباسی می‌کند. خلفای عباسی تمام تلاش شان این است که وجهه امام و شیعیان را در جو خفقانی که وجود دارد، امام با آن مقابله می‌کند. توجه به افق بلند است. بیاییم روی این موضوع تمرکز کنیم که امام سالیانه ۲۸ میلیون زائر دارند. در زائرین چه اتفاقی می‌افتد؟ چه سازماندهی‌هایی در پس این توسلات است؟ چه بسیج منابعی در کنار این اتفاق می‌افتد که شاید با کارهای معمول مدیریت رایج اتفاق نمی‌افتد. آینده نگری، توجه به حفظ اصل مکتب و امت، و استفاده از راهبرد هجرت، استفاده از قدرت نرم است که امروزه به عنوان یکی از بحث‌های خیلی مهمی است که مخصوصاً دوستان را به بحث استفاده از مدیریت ادراک توجه می‌دهم. یکی از بحث‌هایی است که در سیستم‌های مدعی پیشرفته از آن استفاده می‌شود و امام در آنجا این استفاده را برده اند. نتیجه چه شد؟ نتیجه این تدابیر استمرار امامت شد. فرصت آفرینی‌هایی که ما امروز فرصت برشماری آن‌ها را

نداریم. فهرست بلند بالایی را یادداشت کرده بودم. مانند دهه کرامت که از کم کرامتی برخوردار نیست. خدماتی که انجام می‌شود، کارهایی که صورت می‌گیرد، زائرانی که وجود دارند. خود بحث مدیریت کلان آستان، طرحی خدمت شما داده شده است که ۲۶ زیرمجموعه دارد که ابعاد مختلف دارد. انجام و اکمال رسالت‌های تبلیغی و فرهنگی یکی از دستاوردهای این تدابیر بوده است. آشنا شدن مقام و منزلت و کرامت حضرت و اهل بیت، افزایش قدرت شیعه از طریق بحث‌های ارتباطی و هدایتی که وجود داشت، حفظ جان شیعیان از طریق تدابیر و برنامه‌های مختلفی که ارتباطات را داشت.

این را به عنوان جمله آخرم عرض کنم، علی‌رغم ادعاهایی که تابحال در ادبیات موضوع وجود داشته است که مدیریت راهبردی، یک بحث نوظهوری است، اینگونه نبوده است. در محضر و سیره ائمه معصومین ما یک بحث قدیمی است. این را عرض کنم، دوستانی که در بحث‌های مدیریت راهبردی وارد می‌شوند، در ادبیات موضوع به این برمی‌خوریم که قبل از انقلاب یکی از بحث‌های محرمانه بوده است. این بحث محرمانه که چقدر می‌توانسته اهمیت داشته باشد، در محضر و سیره ائمه معصومین ما به عنوان یک بحث قدیمی و پراز دستاوردها بوده که باید با توجه به تفاوت‌هایی که عرض کردم، وقتی گفته می‌شود مدیریت راهبردی به ویژگی‌هایی مانند کلان بودن، جامع بودن، به آینده نگاه می‌شود، آنها فقط در محدوده نگاه مادی است. این نکته را اضافه کنم که در مدیریت راهبردی، بحث فرادنیایی و بحث تعریفی که از علم الوراثة‌ای کردیم، تفاوت اساسی مدیریت راهبردی سیره امام رضا با مدیریت راهبردی رایج است. ان شاء الله دعای اول که ذکر کردم، هرچه من کم گفتم، ذکاوتی که خداوند به شما عنایت کند و زمینه نشر و بحث ائمه معصومین و مخصوصاً مدیریت امام رضا (ع) باشد.

سوالی که سوال خوبی هم بود، بحث برنامه ریزی و کنترل و نظارت و سازماندهی از قول سیره بود. از دو منبع به آن اشاره می‌کنم. یکی از قول خود امام رضا (ع)، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۲۶، و جلد ۸۷ هم هست،

منبع دوم بحارالانوار مجلسی، ج ۱۰، ص ۶۱، امام رضا(ع) فرمودند هیچ وقت، هیچ بنده‌ای حقیقت ایمان را در وجودش کامل نمی‌شود، مگر سه چیز داشته باشد که همین رئوس برنامه ریزی برای فرد است. قسمت اول اینکه ساعتی را برای عبادت و حکومت داشته باشد، ساعتی را برای تأمین معاش و ساعتی هم برای معاشرت با دیگران داشته باشد. بحثی هم در مورد کنترل نظارت بود، این کنترل و نظارت از قول حضرت عرض می‌کنم. در سیره نوشته است که پیامبر فرمودند هرگاه یک سومی که یکی از مهم ترین مسائلی که سیره نویسان به آن می‌پردازند، مقاضی است. جنگ‌هایی که خود پیامبر یا بوده اند یا با فرماندهی پیامبر این کار انجام می‌شده است. یکی از مسائلی که در این منبع بسیار مهم است، این است که هر وقت پیامبر یک فرمانده‌ای را بر یک جنگی می‌فرستاد، حتماً یک افرادی از موثقین خود را هم در کنار دست این فرمانده قرار می‌دادند که مواظب قضیه باشند. این نشان دهنده کنترل و نظارت و برنامه ریزی است.

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر ابوالفضل هادی منش

از زحمتی که اساتید محترم کشیدند و حوصله‌ای که شما بزرگواران به خرج دادید، خیلی متشکریم. این سومین برنامه از سلسله برنامه‌های جشنواره علمی سیره امام رضا، آموزه‌ها و کارکردهای دهه کرامت سال ۹۸ بود. برنامه های دهه کرامت را می‌توانید هرروز از ساعت ۱۴:۴۰ تا ۱۵:۳۰ از رادیو معارف در قالب برنامه اندیشه ها، سیره امام رضا(ع) در گفتار استادان حوزه و دانشگاه بشنوید. برنامه بعدی ما نشست علمی کتاب رضوی در آینه پژوهش است که با ارائه جناب آقای حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی مهدوی راد و جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر مهدی مهریزی در همین مکان، روز پنجشنبه ۲۰ تیرماه ساعت ۱۰ انشاءالله برگزار خواهد شد. اختتامیه همایش جشنواره علمی سیره امام رضا، آموزه‌ها و کارکردها هم در روز یکشنبه، روز میلاد باسعادت آقا علی ابن موسی الرضا(ع) در موسسه امام خمینی از ساعت ۸:۳۰ الی ۱۳:۳۰ ان شاءالله برگزار می‌شود. سومین همایش علمی سیره امام رضا، آموزه‌ها و کارکردها که دارای

سه پنل گفت و گوی علمی است که یکی از پنل‌های گفت و گوی این همایش بحث مدیریت در سیره امام رضا است که از اساتید محترم دعوت می‌کنیم که در این برنامه شرکت کنند. با صلواتی جلسه را به پایان می

بریم.